

## مبانی، اصول و قلمرو عدالت ترمیمی به عنوان تئوری نوین و ابزار جایگزین در حقوق کیفری زنان

فاطمه احمدی<sup>۱</sup>، کبری رحیمی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> عضو هیات علمی و استادیار دانشگاه گرمسار (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری مطالعات زنان - گرایش حقوق. دانشگاه علوم و تحقیقات. تهران

### چکیده

نظام عدالت کیفری محل مواجهه آزادی فردی و امنیت اجتماعی است. تاریخچه عدالت ترمیمی به قدمت تاریخ زندگی بشر می رسد. تا زمانی که یک فرایند و فرایند ترمیمی به درستی شناخته نشود نمی توان جلوه های ترمیمی را از جلوه های غیر ترمیمی باز شناخت. روش تحقیق این مقاله علمی پژوهشی، تحلیلی و کاربردی است. یافته های تحقیق نشان می دهد، هدف عدالت ترمیمی، تقویت اجتماع برای پیشگیری از جرم در آینده است، در مقایسه با عدالت کیفری ارعایی که گذشته نگر و در پی تحمیل کیفر جرم ارتكابی است. الگوی عدالت ترمیمی، ارتكاب بزه را نقض قوانین و مقررات رسمی و مخالف با دولت نمی پندارد بلکه، آن را به عنوان یک اختلاف و تعارض در روابط اشخاص قلمداد می کند. بنابراین، هدف بررسی نظریه جرم شناختی عدالت کیفری ترمیمی به عنوان یکی از چالش برانگیزترین کانون های مطالعه بین رشته ای میان آموزه های فقه جزایی با مدرنیسم علمی در حوزه دانش حقوق کیفری زن امروز است. پژوهشگر درصدد است بداند در قانون آیین دادرسی کیفری، تا چه حد به مبانی، اصول و قلمرو عدالت ترمیمی درباره زن توجه شده است؟ اهمیت موضوع اینکه؛ اسلام به وجود یک دادرسی غیررسمی رضایت داده است. این همان چیزی است که امروزه با ظهور تئوری های نوین حقوق کیفری همچون عدالت ترمیمی در حال ترویج و احیای دوباره است.

**واژه های کلیدی:** حقوق کیفری، زن، عدالت ترمیمی

## ۱. مقدمه / مبانی نظری تحقیق

ویژگی های کلیدی در عدالت ترمیمی به مشارکت کامل و اتفاق نظر و اجماع اشاره دارد. با این وجود آیا عدالت ترمیمی در جستجوی آن است که آنچه را که نقض شده و ایجاد احساس پاسخگویی کامل و مستقیم است، اصلاح نماید؟ عدالت ترمیمی در بازگرداندن وحدت در صدد است با هماهنگی به آن چیزی که در نتیجه جرم گسسته شده است، پیوند دهد. تقویت جامعه محلی جهت پیشگیری از زیان جرم در آینده است. عدالت ترمیمی، ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می کند که طی آن، در خصوص آثار و نتایج عمل مجرمانه بر بزه دیده، بزه کار و جامعه، پس از وقوع جرم و همچنین جبران خسارت ها و صدمات ناشی از جرم، چاره اندیشی می شود. یکی از دلایل اهمیت موضوع این است که؛ الگوی عدالت ترمیمی، ارتکاب بزه را نقض قوانین و مقررات رسمی و مخالف با دولت نمی پندارد بلکه، آن را به عنوان یک اختلاف و تعارض در روابط اشخاص قلمداد می کند. مکتب عدالت ترمیمی اهدافی اصلاحی را دنبال می کند یعنی، در قبال بزه دیده، به دنبال ترمیم خسارت و لطمت و پیشگیری از قربانی شدن دوباره است. در مجموع پژوهشگر درصدد این است که بداند در قانون آیین دادرسی کیفری، تا چه حد به مبانی، اصول و قلمرو عدالت ترمیمی درباره زن توجه شده است؟ این مقاله علمی و پژوهشی با استناد به منابع معتبر علمی به گونه ای توصیفی و تحلیلی با نگاهی نقادانه به تبیین حقوق زن در مساله عدالت ترمیمی دارای اهدافی کاربردی است.

## ۲. مفاهیم / عدالت

از آنجا که واژه ها و مفاهیم در پارادایم دیده ها تبیین کننده مطلب هستند به تعریف برخی اصطلاحات اشاره می شود. عدالت در لغت به معنای نهادن هرچیز بر جای خود است. «حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی» به طور مساوی تقسیم کردن. [صفری مقدم، ۱۳۹۹/ ۲۴؛ راغب، مفردات، ۳۲۵، ج ۱]. در اصطلاح عدالت ترمیمی الگوی جدید در عدالت کیفری است که در احیای حقوق بزه دیده وحل و فصل مسائل ناشی از ارتکاب بزه با مشارکت بزه دیده و جامعه (محلی) و نیز بزه کار از طریق مذاکره و ترمیم خسارت و ایجاد صلح و آشتی تاکید و تکیه دارد. [نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۲: ۱۱؛ صفری مقدم، ۱۳۹۹/ ۲۴] با توجه به تعریف از مفهوم، عدالت ترمیمی فرایندی است برای درگیر نمودن کسانی که دارای سهمی در یک جرم خاص هستند تا به طریق جمعی نسبت به تعیین و توجه به صدمات و زیان ها، نیازها و تعهدات جهت التیام و بهبود بخشیدن و راست گردانیدن امور به اندازه ای که امکان پذیر است، اقدام نمایند. یعنی، بزه دیده (جامعه هدف زنان) به چه الگوهای رفتاری و سرمش های مشوق انگیز نیاز دارند تا بتوانند احساس آرامش و امنیت مجدد نمایند و بهبود یابند؟ عدالت محلی، غیررسمی، سبز، التیام دهنده، انسانی و مردمی، و عدالت پویا و کارآمد که رایج ترین گونه عدالت ترمیمی است و در سرتاسر گیتی برای تبیین این رویکرد به کار می رود، شایسته الگودهی برای زن و آرامش دهنده است. به طور مشخص عدالت کیفری تساوی همگان در مقابل قانون است و نه تساوی همگان در احکام پیش بینی شده در قانون. این تساوی در همه هستی و در میان همه موجودات جاری است. پس، عدالت ترمیمی سهم زنانی است که می کوشند با مشارکت و مداخله برای رفع و کاهش آسیب و اختلاف ها تعدیل ایجاد کنند.

## ۳. پیشینه

برخی از محققان، تاریخچه عدالت ترمیمی را به قدمت تاریخ زندگی بشر می دانند. برای نمونه، جان برایث ویت، عدالت ترمیمی را به عنوان الگوی برجسته عدالت جنایی در سراسر تاریخ بشر و برای همه مردم جهان مطرح می نماید. ( گرجایی پری، ۱۳۹۲؛ ابطی، ۱۳۸۹). ترمیم و جبران، توسط آلبرت اگلاش مطابق با عرف ها و سنت های جوامع اسکیمویی بوده است، که ایشان تاریخچه عدالت ترمیمی را از زمان تشکیل اجتماعات انسانی قلمداد می نمایند. [ عشایری، ۱۳۹۹ / ۶۰؛ p81, 1991, Weitekam]. متخصصان جرم شناسی از اواسط قرن نوزدهم تا دهه ۷۰ قرن اخیر، تمایل روزافزونی به چرخش محور حقوق کیفری از «جرم محوری: عدالت کیفری سزاده به مجرم محوری، عدالت کیفری بازپرور و توجه کننده به شخصیت مرتکب» نشان دادند. [ساریخانی، ۱/۱/۱۳۹۱؛ Pad field، ۲۰۱۱، p ۳۹]. از آنجا که کوشش در امر پژوهش که درباره نتیجه و فواید بازدارندگی عدالت کیفری مورد توجه قرار گرفت، علل گرایش به عدالت ترمیمی در دهه های اخیر را ناتوانی سیستم عدالت کیفری در دو طیف سزادهی و اصلاح و تربیت آن عنوان شده دانست، که برخی از اندیشمندان دلیل آن را کوتاهی در امر کنترل بزهکاری یاد کرده اند و خواستار الگویی جدید شدن، در عین توجه به بن مایه کهن و ریشه دار عدالت کیفری که از دهه های قرن بیستم میلادی تجدید یافته است، هستند. بعد از تجدید و توجه در امر برئایی عدالت کیفری از سال ۱۹۷۵ به تدریج معایب مدل بازپروری در جرم شناسی غربی آن آشکار شد که سبب گشت از دهه ۱۹۸۰ جنبش بازگشت به کیفر بر نظام های کیفری غربی غلبه پیدا کند. در سال ۱۹۸۵ هوارد زهر، به عنوان یکی از پیشگامان اصلی عدالت ترمیمی طی یک مقاله کوتاهی تحت عنوان عدالت ترمیمی - عدالت سزاده، مدل جامع عدالت ترمیمی را تشریح نمود. مطالعات هوارد زهر نشان داد که نمونه و نسخه فعلی عدالت کیفری که در حال حاضر آن را طبیعی انگاشته و منطقی می دانیم در حقیقت تحول عمومی نظریه های کلاسیک عدالت کیفری، تنها در طول دو قرن اخیر بوده است. ( عباسی، ۱۳۸۲: ۵۸). اولین برنامه عدالت ترمیمی در قالب برنامه های ایجاد سازش میان بزه دیده با بزهکار نیز، در سال ۱۹۷۴ میلادی در کانادا تحت حمایت کلیسای محلی با استفاده از روش میانجیگری و ملاقات چهره به چهره بزه دیده - بزهکار اجراء شد. [ابطی، ۱۳۸۹]. تحقیق نشان می دهد، با توجه به استقبال گسترده از برنامه های عدالت ترمیمی در اروپا، آمریکا، کانادا، نیوزیلند و استرالیا، این رویکرد در حال جهانی شدن است. «در تداوم این نوسان همیشگی و چرخش مرکز ثقل غرب در رویکردهای جرم شناختی به نظام عدالت کیفری، از سال ۱۹۹۲ با انتشار مقاله فیلی با عنوان ویژگی های عدالت تخمینی سنجشی و انتشار مقاله سیمون با عنوان جرم شناسی نو، مدل تخمینی گفتمان بیمه ای و مدیریتی بر جرم شناسی معاصر حاکم شد؛ بدین شرح که محور مسؤولیت کیفری دیگر نه بر اساس رویکرد کلاسیک کانتی اخلاق مدار و نه بر اساس گرایش بازپروری پوزیتیویستی، بلکه بر مبنای میزان احتمال و ریسک تکرار جرم تخمین زده می شود.» [ساریخانی، ۱۳۹۱، ۱/۱؛ نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۸: ۷۲۵]. در ارائه یک الگو با نگرشی نقادانه برای رسیدن به جواب به تعبیر یکی دیگر از جرم شناسان، مهم نیست قبح اخلاقی جرم ارتكابی چقدر بوده، چون اصلاح و بازسازی وی با هنجارهای اجتماعی نیز اهمیت ندارد، که بسیاری از موارد دارای اهمیت و اثرگذار نادیده گرفته می شود پس؛ نوع و میزان پاسخ به جرم صرف رویکردی مدیریتی و بیمه ای و با ملاک ریسک تکرار جرم محاسبه می گردد، که بزه دیده را راضی می دارد.

## ۴. ارکان عدالت ترمیمی

گروه هایی که از جنبه های عدالت ترمیمی نفعی دارند، شامل بزهکاران، بزه دیدگان و اعضای جامعه محلی، می باشند. فهم عدالت ترمیمی از جرم، قبل از هر چیز توجه به این امر دارد که آیا جرم به افراد و اجتماعات لطمه می زند؟ و اگر زیان دهنده است لطمه های ناشی از جرم چه اندازه توان ترمیم دارند و اقدامات مورد نیاز کدامند؟ بهره ور باید آگاه باشد در فرایند عدالت ترمیمی به چه چیزی نیازمند است تا راه بهبود را بیابد و خود را باز یافته و احساس آرامش و امنیت مجدد نماید. البته، دانستن تعهدات هر یک از طرفین یعنی، بزه کار و بزه دیده و نیز، جامعه ای که از طریق ارتکاب فعل مجرمانه متضرر شده، لازم است اقدام بازدارند در پیش گیرد. چون عدالت ترمیمی مشارکت و مداخله را ترویج می کند، نخست بایستی در دسترس دادگاه و فرایندهای اصلاحی و تربیتی قرار گیرد تا آنها تعهدات بزهکار را به مرحله عمل درآورند. یعنی، بزهکاران، بزه دیدگان و اعضای جامعه محلی، اطلاعاتی در خصوص یکدیگر داشته باشند و از منافع حکم بهره مند شوند. دلیل؛ چنانکه اشاره شد، تا وقتی که یک فرآیند و برآیند ترمیمی به درستی شناخته نشود، نمی توان جلوه های ترمیمی را از جلوه های غیرترمیمی بازشناخت. تحقیقات انجام شده اخیر در حوزه جرم شناسی نشان دهنده آن است که عدالت کیفری سنتی در دو جلوه سزاده و باز پرورانه خود نتوانسته است معمای افزایش نرخ بزه کاری به ویژه، در میان زنان را آن گونه که بایسته است، حل کند و این ناتوانی عدالت کیفری سنتی موجب پدیدار شدن جلوه های جدیدی نسبت به پدیده مجرمانه، آثار و چگونگی مقابله با آن شده است که از مهمترین آنها جلوه عدالت ترمیمی است. در این جلوه برخلاف عدالت کیفری سنتی، توجه ویژه ای به بزه دیده و خسارات او شده است. هدف اصلی فرایندها و ضمانت اجرای به کار برده شده، ترمیم خسارت بزه دیده و مسئولیت بخشی به بزهکار است. یکی از اهداف عدالت ترمیمی تقویت اجتماع برای پیشگیری از جرم در آینده است، در مقایسه با عدالت کیفری اربعایی که گذشته نگر و در پی تحمیل کیفر جرم ارتكابی است. برای دستیابی به پیامدها یا دستاوردهای هر یک از این دو نگرش باید به متن جامعه برگشت.

## واکنش ها

تنوع در واکنش های جزایی در عدالت ترمیمی فراوان و گوناگون هستند و بیشتر انسان و سلامت او را مد نظر دارند. حکم کیفری به ترمیم خسارت بزه دیده و جامعه، عذرخواهی، جزای نقدی روزانه، تعلیق مراقبتی، خدمات عام المنفعه، در احکام عدالت ترمیمی جاری می شوند. اینها «در مقایسه با عدالت کیفری کلاسیک که واکنش هایش محدود به حبس، شلاق، تبعید، اعدام و امثال آنهاست، مورد نظرند.» [ساریخانی، ۱۳۹۱/ ۱/ ۱؛ Pad field, 2011 p39]. زیرا، منظور از سیاست جنایی کلیه راه حل ها و چاره اندیشی هایی است که برای بازدارندگی از جرم و کجروی از هنجارهای جامعه، به کمک جامعه و دولت شکل می گیرد. پس، باید در انتظار نظر و واکنش جامعه و دولتمردان در نوسان مشکلات زنان بود. چون، سیاست جنایی از زیربخش های سیاست عام به حساب می آید و چون زنان نیز، در این بازدارندگی و اصلاح نقش دارند بایستی به گروه زنان که نیمی از افراد فعال در جامعه را رسمیت داده اند، توجه بیشتر شود. غیبت حضور زنان در این باره محسوس است البته، ذکر این دخالت زنان در رویکرد مفید عدالت ترمیمی از جنبه ها و نگرش دینی هم درخور توجه است. «امر سیاست جنایی اسلامی، یک سیاست جنایی ارزشی یا ایدئولوژیک است که متکی بر بایدها و نبایدهایی

است که فقط محصول تحقیقات میدانی و آمارهای جنایی نبوده، بلکه مستند به اصول اخلاقی یا فرامین شرعی و یا ارزش‌های فرهنگی جامعه است.» [ساریخانی، ۱/۱/۱۳۹۱؛ قیاسی، ۱۳۸۵: ۱۵]. در فرایند ارزشی و اخلاقی توجه به معیارهای اصلاح‌گری دین است که عدالت ترمیمی، با ساختاری فلسفی، نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می‌کند و طی آن، در خصوص آثار و پیامدهای عمل مجرمانه بر بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه، پس از وقوع جرم و هم‌چنین جبران خسارت‌ها و صدمات ناشی از جرم، چاره‌اندیشی دارد.

##### ۵. الگوی عدالت ترمیمی

یک الگو دهی دیگر در الگوی عدالت ترمیمی، ارتکاب بزه را یک اختلاف و تعارض در روابط اشخاص می‌بیند و مکتب عدالت ترمیمی اهدافی را دنبال می‌کند که ناظر بر اجرای حق و عدالت و برابری در قبال بزه‌دیده، به دنبال ترمیم آسیب‌ها و صدمه‌ها و پیشگیری از قربانی شدن دیگر باره کارآمد باشد. تقویت حس مسئولیت‌پذیری، بازاجتماعی نمودن و جامعه‌پذیری دوباره و احتمال منتفع شدن از گذشت بزه‌دیده، مسئولیت‌های این مکتب در برابر بزه‌کار است. در جامعه نیز، به ترمیم گسست‌های اجتماعی ناشی از جرم که بسیار اهمیت دارد می‌پردازد.

##### ۶. مکتب عدالت ترمیمی

مکتب عدالت ترمیمی ارتباط تنگاتنگ و نزدیکی با چند نهاد حقوقی و مسائل حقوقی زنان دارد. میانجی‌گری کیفری، فرآیند سه‌جانبه‌ای است که بر اساس توافق قبلی بزه‌دیده، بزه‌کار با حضور شخص ثالثی به نام میانجی‌گر، به منظور حل و فصل اختلافات و مسائل مختلف ناشی از ارتکاب جرم، شروع می‌شود. نشست هم‌اندیشی یا جلسه گفت‌وگوی خانوادگی، مبتنی بر دخالت مستقیم اعضای خانواده بزه‌دیده، بزه‌کار و وابستگان آن‌ها در فرآیند ترمیمی است. حلقه‌های اصلاح و درمان و سازش، روشی ترمیمی است که با مشارکت دادن همه اعضای درگیر در جرم، گروه‌هایی را تشکیل می‌دهد که در آن به بحث درباره جنبه‌های اختلاف ناشی از جرم پرداخته می‌شود. جبران خسارت دولتی قربانیان جرم، نهادی است که در صورت عدم تمکن بزه‌کار برای جبران خسارت بزه‌دیده وارد عمل شده و یکی از راه‌های مطمئن و عملی برای ترمیم لطمات وارده بر بزه‌دیده می‌باشد. روح مکتب عدالت ترمیمی در قواعد فقهی نیز، درخور توجه است که نشان از اهمیت توجه اسلام به حقوق زن و جبران خسارات وارده به وی را دارد. قاعده لایبطل با توسل به جبران خسارت بزه‌دیده از مال بزه‌کار یا ورثه او و یا از بیت‌المال، در پی جلوگیری از پایمال شدن حقوق بزه‌دیده می‌باشد. در قاعده اضطرار هر چند ارتکاب افعال ممنوع، مباح می‌گردد، لیکن این جواز تأثیری در حقوق مالی اشخاص نداشته و خسارات ناشی از فعل اضطراری، در هر حال می‌بایست توسط مضطر جبران گردد. مطابق با قاعده جب توبه قائل به از بین رفتن مجازات حد، در صورت توبه بزه‌کار از جرم ارتكابی در پاره‌ای موارد می‌باشد. جهت گیری شارع مقدس، بر اصلاح بزه‌کار از طریق غیرکیفری و غیرقضایی یا به تعبیر حقوق مدرن، کیفرزدایی و قضازدایی، کاربرد اصلاح‌گری بیشتر دارد. قاعده درأ، آن است که حدود با شبهه برداشته می‌شوند. به این صورت که در مواردی که وقوع جرم یا انتساب آن به جهتی محل تردید باشد، به‌موجب این قاعده باید جرم و مجازات را منتفی دانست. استفاده از

این قاعده هیچگاه در برابر و مخالف با رویکرد بزه‌دیده‌مداری و ترمیم‌گرایی نیست؛ زیرا، کاهش مجازات مجرم هیچ لطمه‌ای به حقوق بزه‌دیده نمی‌زند. عدالت ترمیمی با برخی از نهادهای فقهی نیز، در ارتباط است. نهاد قاضی تحکیم آن است که طرفین دعوی، شخص یا اشخاصی را برای رسیدگی و صدور رأی در دعوی یا دعاوی معینی انتخاب کنند. شریعت اسلام به وجود یک دادرسی غیررسمی رضایت داده و این همان چیزی است که امروزه با ظهور تئوری‌های نوین حقوق کیفری هم‌چون عدالت ترمیمی در حال رواج پیدا کردن و احیای دوباره است. نهاد میانجی‌گری نیز که منجر به دو تأسیس حقوقی اصلاح ذات‌البین و شفاعت در نظام قضایی اسلام می‌شود، راه غیرقضایی ایجاد صلح و سازش بین طرفین یک اختلاف کیفری را با مداخله و وساطت افراد جامعه و گروه‌های اجتماعی، باز گذاشته است. مطالعات تحولات حقوقی و قضایی نشان می‌دهد که از نیمه دوم قرن بیستم، حقوق به سمت اخلاقی و انسانی شدن تحول پیدا کرده است. شعارهایی چون قانون عادلانه، دادرسی عادلانه یا منصفانه و شعارهایی مشابه آن اکنون در زمره برنامه‌های اساسی دولت‌ها قرار گرفته‌اند. رایج‌ترین الگوهای عدالت اعم است از عدالت کیفری (سزا دهنده) و عدالت ترمیمی. عدالت سزا دهنده و سرکوبگر دربرگیرنده اهداف، ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و فرضیه‌هایی است که تکیه بر کیفر و تنبیه دارد و ناظر به جرم است. در دیدگاه عدالت کیفری قاعده الزامی بودن (قانونی بودن) تعقیب مورد تأکید است. در نتیجه رویکرد عدالت کیفری، اعمال مجازات است و بر استحقاق بزهکار به کیفر تأکید دارد و در جهت اعمال قدرت عمومی (اقتدار گرایی) حرکت کرده است. عدالت ترمیمی رویکردی متوازن و همه‌جانبه نسبت به جرم و پیامدهای آن است. ویژگی مهم عدالت ترمیمی این است که دیگر راهبردهای عدالت مانند سزاکرایی، بازدارندگی، و ناتوان‌سازی که فقط با مجرم سر و کار دارند، متمایز می‌کند، چون به اصلاح آسیب‌های ناشی از بزه و نیازهای بزه دیده توجه دارد. در نتیجه رویکرد عدالت ترمیمی بر بزه دیده، بزهکار و جامعه متمرکز است که در سایه این رویکرد منافع بزه دیده و بزهکار و جامعه تأمین می‌شود. در حوزه توجه جهانی نیز، سازمان ملل و برخی از نظام‌های کیفری داخلی در سه دهه اخیر در مقام مشارکت دادن جامعه مدنی در فرآیند کیفری برآمده‌اند. در این رویکرد گفتمان عدالت به عدالت جامعوی، عدالت محلی، عدالت سبز، عدالت انسانی و مردمی و عدالت ترمیمی تغییر پیدا کرد. برنامه‌های گوناگونی که در عدالت ترمیمی مطرح است همچون ملاقات‌های رو در رو، نشست‌های گروهی، حلقه‌ها (نشست‌های) تعیین مجازات، هیات‌ها و گروه‌های مردمی و میانجی‌گری می‌باشد. میانجی‌گری ریشه در دین و تاریخ دارد و می‌توان گفت قدمت میانجی‌گری به قدمت خود اختلاف می‌باشد. ریشه‌های عمیق‌تر این جنبش‌ها به نشست‌ها، آیین‌های مذهبی، آداب و رسوم اقوام و ملل بر می‌گردد. این شیوه‌ها بیش از آنکه در کشورهای اروپایی مطرح باشد، در اقوام و ملل آسیایی و آفریقایی مطرح بوده و دارای قدمت است. در کشورهایی همچون اتریش، فرانسه و آلمان برنامه‌های میانجی‌گری به ویژه، در حقوق کیفری زن می‌تواند توسط کارکنان دستگاه عدالت کیفری مثل دادستان یا دادرس دادگاه انجام شود.

## ۷. اهداف عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی چند فرضیه را با هدف عمده دنبال می‌کند که عبارتند از بازتوانی بزه دیده، بازتوانی اجتماع، بازپذیری بزهکار. بزه دیدگان نیازمند جبران خسارات ناشی از ضرر و زیان حاصل از جرم هستند. با وجود این، بسیاری از بزهکاران نوجوان و جوان قادر به تأمین منابع مالی کافی برای جبران ضرر و زیان وارده نیستند. بدیهی است در چنین فرضی، اجرای عدالت ترمیمی به مشارکت جامعه یا دولت صرف نظر از تعقیب، دستگیری و محاکمه بزهکار، در جبران خسارت بزه دیده است و

دولت نباید از مسئولیت تأمین و جبران زیان های بزه دیده شانه خالی کند. در بخش بازتوانی اجتماع، بسیاری از برنامه های عدالت ترمیمی بر نقش اجتماع در پاسخ به جرم و پیشگیری از آن تأکید می کنند. در این برنامه ها تأکید می شود که جامعه می تواند نسبت به جبران زیان بزه دیده ها و جذب مجدد بزهکاران اقدام کند که البته موافقان و مخالفان خاص دارد. در توضیح مفهوم بازپذیری بزهکار، باید خاطر نشان کرد که تحقیقات درباره گروه های خسارت زننده به خود و جامعه، بیشتر از بزهکاران حاشیه اجتماع گزارش می شوند. البته، حاشیه نشینی بزهکار به این مفهوم تلقی نمی شود که وی در خارج از قلمرو جغرافیایی یک شهر یا جامعه مشخص زندگی می کند بلکه، ممکن است بزهکار در داخل شهر و جامعه زندگی کند، ولی، از جنبه فرهنگی، آداب و رسوم و عقاید، کمتر مورد توجه ای با دیگر حاشیه نشین ها دارا باشد. پاره ای از دستاوردهایی که در پژوهش حاصل گردید، نشان می دهد که بسیاری از بزهکاران، خود از جمله قربانیان و بزه دیده هایی هستند که از انواع مزایای اجتماعی و انسانی مانند: داشتن والدینی مسئول یا برخورداری از آموزش و اشتغال محروم بوده اند. در چنین حالتی، توجه و دقت نظر اجرای عدالت ترمیمی که از سوی مجریان توان به دست آمده است، می گوید احترام متقابل میان بزهکار و بزه دیده و اجتماع، که ارکان عدالت ترمیمی را می سازند، در سازندگی نیاز است با هم همکاری کنند. نتیجه دقت نظر برای اصلاح و بازگردان افراد بزهکار در فرآیند عدالت ترمیمی تنها این نیست که فقط بزهکار مسئولیت جبران زیان وارده را برعهده می گیرد، بلکه، جامعه نیز، در قبال کمک به او مسئولیت بازپذیری وی را عهده دار می شود. برای حمایت از فرایند عدالت ترمیمی، تشکیل گروه کاری حمایتی، یکی از اهداف و الگو وارده های عدالت ترمیمی است. تشکیل گروه همکار و یا کاری از بازپروری بزهکاران و بزه دیدگان و پیشگیری از بزهکاری در جامعه فعال است. سوزان شارپ در کتابش تحت عنوان عدالت ترمیمی: بینشی برای التیام و تغییر اهداف و وظایف عدالت ترمیمی را به ترتیب زیر خلاصه کرده است: واگذاری امکان اخذ مهمترین تصمیمات توسط کسانی که از جرم متأثر شده اند. دوم، اجرای عدالتی بیشتر التیام بخش و به نحو آرمانی بیشتر دگرگون ساز و متحول کننده. درگام دیگر، کاهش احتمال وقوع جرایم بعدی. رسیدن به چنین اهدافی مستلزم آن است که بزه دیدگان در فرایند رسیدگی مشارکت داده شده و نتیجه حاصله برای آنها رضایت بخش باشد. بزهکاران درک کنند که چگونه اقدامات آنها دیگران را متأثر نموده، مسئولیت اعمال ارتكابی خود را بپذیرند. نتیجه های حاصله در راستای جبران ضرر و زیان ایجاد شده و ناظر به علل و دلایل وقوع جرم باشند. هم بزه دیده و هم بزهکار احساس خاتمه و کفایت موضوع پیدا کرده و در جامعه بازپذیری ادغام شوند.» [ابطحی، ۱۳۸۹؛ زهر، ۱۳۸۸].

## ۸. محور عدالت ترمیمی

در جهت محوری بودن بحث عدالت ترمیمی، تناسب کیفر با بزه در حالی که اصل تناسب واکنش جزایی با بزه ارتكابی در آیات متعددی چون آیه ۱۲۳ سوره نساء و آیه ۴۰ سوره غافر مورد تصریح واقع شده است؛ یکی از ایرادات وارده توسط خود جرم شناسان غربی به عدالت ترمیمی غربی، تحمیل ضمانت اجرای ناهمسان به مرتکبان جرایم یکسان در فرایندهای ترمیمی است. «فون هیرش و آشورث؛ دو بنیانگذار عدالت ترمیمی اروپایی، اذعان داشته اند که تعیین مجازات با توجه به نظر و عقیده بزه دیده به طور عموم نمی تواند متناسب با جرم باشد.» [ساریخانی، ۱/۱/۱۳۹۱؛ Von & Ashworth . Hirsh, 1998, p36]. قرآن در اجرای اصل تناسب جرم و مجازات منعطف است و به ایراد انعطاف ناپذیری کیفررسانی که به عدالت کیفری سنتی وارد بود، مبتلا نیست؛ برای نمونه، رعایت قاعده قصاص را در مواردی که

اجرای این مجازات با مانع اخلاقی روبه روست، برنمی تابد و پاسخ های انطباقی ویژه ای را مقرر می دارد، چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست، بخواهد درگذرد، کاری است نیکو. پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم، تخفیف ( امر قصاص) و رحمت خداوندی است. (بقره/ ۱۷۸؛ ساریخانی، ۱/۱/۱۳۹۱). تنویدی بودن مجازات محارب در آیه ۳۳ سوره مائده، کیفر سرقت در آیه ۳۸ سوره مائده و کیفر زنا در آیه ۳ سوره نور بیانگر این حکمت قرآن است.» [ساریخانی، ۱/۱/۱۳۹۱؛ رحیمی، ۱۳۸۹].

## ۸-۱ محوریت گفتمان عدالت ترمیمی

عدالت ترمیمی از ویژگی های چندجانبه گرایانه ای برخوردار است. ترغیب به بزه پوشی، عفو در تعزیرات حق الله و حق الناس، در حد اصلاح ذات البین، حکمیت، شفاعت، ماهیت جبرانی دیه، قاعده لایبطل، قاعده جب توبه و غیره، حاکی از توانمندی سیاست جنایی اسلامی در اجرای عدالت ترمیمی بدون عیب و ایرادی است که سیاست جنایی در ممالک غرب پس از چندین دهه از پیدایش آن درگیر ساز و کارهای بازدارنده برای آن است. «صلاح ذات البین به معنای پا در میانی شخص ثالث و حل و فصل اختلاف بین دو مسلمان با صلح و سازش، از دستورهای اکید اسلام به مؤمنان است. در آیه ۱۰ حجرات بدان اشاره شده است. به تعبیری حقوقی، خارج از فرایند کیفری رسمی سنتی داده شده است. محور گفتمان اسلام درباره عدالت ترمیمی صریح است.» [ساریخانی، ۱/۱/۱۳۹۱]. «دلال صریح بر آسان گیری و ترمیم گرایی و نه ارباب و سزاده بودن شریعت اسلام دلالت دارد. عدالت ترمیمی از یک جهت با ترمیم کلیه خسارت های وارده به بزه دیدگان، عدالت واقعی را که احیاءکننده بزه دیده است برای آنها به ارمغان می آورد که ترجمانی از فرموده مولای متقیان حضرت علی (ع) است؛ آنجا که می فرمایند: «العدل حیاة». از جهت دیگر، عدالت ترمیمی به دنبال احیای ارزش های انسانی و ترمیم روابط مختل شده بزهکار با بزه دیده بوده و از سوی دیگر با ایجاد شرم واقعی در بزهکاران و تغییر چشم انداز اخلاقی آنها و ارائه الگوی تربیتی مطلوب در جریان فرایندهای ترمیمی و از همه مهمتر احترام به کرامت و حیثیت انسانی بزهکار، موجب احیاء بزه دیدگان و بزهکاران می گردد.» [رحیمی نژاد، ۱۳۸۹: ۱۴۴]. بررسی ها حکایت از آن دارد که تفاوت آشکاری در نگرش اسلام با روند و چارچوب کلی که مکتب های دیگر بر آن تکیه دارند، وجود دارد. برای نمونه، در نظریه ماتزا و سایکس که جزو اندیشمندان مفهوم عدالت نام گرفته اند، نظرشان به این گونه است که بزهکاران در حالی که که شرایط و دستورات مبتنی بر اجرای درست را جامعه را می پذیرند، ولی، برای قانون شکنی و ارتکاب جرم، حالتی روانی در فکر آنان پیدا می شود که مرتکب جرم شدن را براساس دلخواه خود، درست تلقی می کنند و با استفاده از این عملکرد خود را از شرایط مورد قبول همه جامعه آزاد می کنند، ولی، در فرایند الگو دهی، عدالت ترمیمی اسلام، این افراد بزه دیده و بزهکار نادیده انکار نمی شوند و مراقب نظر کانون های تربیتی می باشند تا رسیدن به مرحله سلامت، دنبال می شوند. نیز، اگر شرایط مناسب با تجربه کاری برای آنان فراهم شود از طرف دولت حمایت اشتغال قرار می گیرند، که ثمره این توجهات کاهش جرم و آرامش جامعه می شود.



## ۸-۲ زن / عدالت ترمیمی و حقوق کیفری

وقتی سخن از زن و جنبه حقوق کیفری و عدالت ترمیمی درباره وی می شود، زن را باید نیمی از تنه جامعه روز دانست و بر اثر کارکردها و لیاقت هایش قانونگذاری نمود. در این میان زنان به لحاظ جنسیت که وجودی لطیف دارند و احساسات در آنان غالب است احتمال بیشتری دارد که ناخواسته، از طرف افراد بزهگر، مرتکب بزه گردند و بزهکار شوند و لازم است در این زمینه عدالت ترمیمی در این حیطه بیشتر مورد توجه قرار گیرد، سخنی است که با قاعده عقلایی که راهنمای قاعده حسی است، جای تامل دارد. قابل ذکر است که در حقوق ایران به ظاهر عدالت ترمیمی در تخفیف مجازات زنان بزه کار لحاظ نشده است و دارای خلاء است ولی، با مرور قانون مجازات اسلامی و با تکیه بر فقه، می توان دریافت که با توجه به شرایط جنسی زن، عدالت ترمیمی در تخفیف مجازات زنان بزهکار جایگاه مهمی پیدا کرده است که باز هم کافی به نظر نمی رسد. نگاه به دنیای مشارکت زنان در حوزه خانواده و کسب و کار، با گذشته فرق کرده است. اکنون زنان بیشتر در جامعه حضور دارند و همین مشارکت و توانمندی زنان در امر سازندگی و رشد و توسعه جامعه، قوانین را به این سوی سوق می دهد تا بیشتر زنان حمایت شوند. «در گذشته و درحقیقت زن محور حداکثر نزاع های طایفه ای و انحرافات فردی است. این نقش دارای دو جنبه کمال متضاد است. از یک سو تحت فشار آداب و رسوم قومی، تن به ازدواج می دهد و از سویی، وی با این کار خود که در راستای حفظ وحدت و انسجام جامعه است؛ خویشتن را قربانی می کند.» [عزیزی، ۱۳۸۸]. اکنون که محورهای آداب و رسوم با دانش زنان حل و فصل می شود و ازدواج را امری برای حراست خانوادگی می دانند که دارای حرمت و احترام است، نیاز به همراهی بیشتر از طرف مسئولان دارد، تا به کاهش آسیب ها کمک کنند. در آیه ۱۵۸ سوره نسا بر داوری بر عدالت تاکید شده است. عدالت ترمیمی و عدالت کیفری برای تنظیم روابط و پیوند بین انسان ها در خانواده و جامعه است که در طرح مسائل فقهی و حقوقی، برای نگاهداشت حقوق و آزادی افراد و میانجیگری برای رفع اختلاف برپایه عدالت هدفمند آمده است. در قبال زنان حقوقدان و وکیل شهرنشین که از زنان آسیب دیده حمایت دارند، در برخی از ایل های ساکن و کوچ رو، زنان گیس سفید نقش پایان دهنده به منازعات و درگیری ها را برعهده دارند. برای نمونه، زنان قشقایی یا افشار به عنوان شرف و ناموس ایل از احترام و جایگاه خاصی در میان قشقایی ها برخوردارند و در بسیاری از درگیری ها و منازعات سخت که حتی کاری از مردان بزرگ ایل ساخته نیست، زنان شجاع و جسور قشقایی هستند که با میانجیگری خود به اختلافات خاتمه می دهند و زمینه را برای صلح و آشتی فراهم می آورند. مردان ایل در عین عصبانیت و خشم، چون مسئله ناموس و شرف در میان است و به جهت احترام به زن که الگوی عصمت بوده، درگیری را خاتمه می دهند. [کیانی، ۱۳۷۴] حفظ و احیا و زنده نگه داشتن برخی از رسومی متناسب با فرهنگ داخلی که زنان برجنبه پایداری مساله زن و عدالت ترمیمی و حقوق کیفری او اصرار می ورزند، می تواند قانون حقوقی و کیفری را کمک کند تا زمینه سالم سازی محیط زندگی فراهم شود و خرده های بزه پاک شوند.

## ۸-۳ عدالت و انصاف در حقوق زن

کسانی گمان کرده اند که عدالت و انصاف و توجه به شخصیت زن، مستلزم قول به تساوی و تشابه کامل حقوق زنان و مردان در تمامی زمینه هاست و اگر چنین تشابه کامل وجود نداشته باشد به معنای بی عدالتی، بی انصافی، ظلم، حق کشی و بی توجهی به شخصیت و منزلت زن (گاهی مرد) است. تردیدی نیست که هدف نهایی قانون، برپایی عدالت است و اگر به برپا داشتن نظم

نیز توجه دارد، از باب مقدمه اجرای عدالت است و قانون غیر عادلانه، پوسته بی مغزی بیش نیست. ولی، آیا شخصیت و منزلت زن، برای نمونه، از تساوی دیه زن و مرد استفاده می‌شود؟ برای رسیدن به جواب بی گمان، اگر در قانون مجازات اسلامی، مواردی از تفاوت مشاهده می‌شود، بایستی روشن شود قانون کجا به عدالت و شخصیت زن توجه دارد و خلاء موجود نیز ریشه یابی شود. از افتخارات اسلام این است که برخلاف بسیاری مکاتب دیگر، زن را در سطحی پایین تر از مرد در نظر ندارد و زن و مرد برابر هستند و تفاوت انسان در تقوای آنان است. گاهی حقوق و تکالیف و مجازات هایی را برای زن، مناسب تر دیده است و پاره‌ای حقوق و تکالیف را نیز مشترک میان زن و مرد دانسته است. خداوند بزرگ در موضوع خلقت زن و مرد تصریح می‌کند که زن و مرد را از یک سرشت آفریده و تاکید می‌ورزد که زنان را از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریده است: همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم. پس در این تحلیل نمی‌توان استعداد های روحانی و معنوی انسان ها را اعم از زن و مرد، به عنوان معیار شخصیت و منزلت آنان نادیده انگاشت. ارزش‌هایی همچون علم، ایمان، عزت، کرامت و عمل صالح، شخصیت آدمیان را از یکدیگر متمایز می‌سازد یا جنسیت آنان و احکام مترتب بر جنسیت است. هدایت، عمل دنیوی، پاداش اخروی و نزدیکی به ذات اقدس الهی به جنسیت مربوط نیست. اصول دین ناظر به سه اصل مبدا شناسی، معاد شناسی و پیامبر شناسی است که در فهم هیچکدام از این سه، جنسیت دخالت ندارد. قرآن کریم در داستان های بزرگ انسانی، از زنان بزرگی که در ساختن تاریخ ایفا نقش کرده‌اند به نیکی یاد کرده است. همسران آدم و ابراهیم و مادران موسی و عیسی نمونه هایی از زنان مورد تکریم و تجلیل در قرآنند. همسر فرعون به عنوان بزرگ زنی که در عین همسری فرعون، شخصیت و کرامت خویش را از یاد نبرد، یاد می‌شود. در قرآن کریم درباره حضرت مریم آمده است، آن بزرگوار در محراب عبادت همواره ملائکه با وی سخن می‌گفتند. بر اساس متون دینی زنانی چون خدیجه و فاطمه(س)، شخصیتی برتر از مردان دارند. غیر از معصومان هیچ کدام از مردان به پای خدیجه نمی‌رسد. در باور اسلامی، چنانکه اشاره شد زن و مرد برای یکدیگر آفریده شده‌اند و مایه آرامش یکدیگرند. چنین نیست که تنها زن برای مرد آفریده شده باشد. قرآن کریم به صراحت می‌فرماید همه موجودات برای انسان آفریده شده‌اند و انسان، اعم از زن و مرد است و هرگز نفرمود که زن برای مرد آفریده شده است. تعبیر قرآن این است که (هن لباس لکم و انتم لباس لهن) «[ بقره / ۱۸۷؛ صفری مقدم، ۱۳۹۹/۲۴]. با وجود این پیشینه از زنان پاک سرشت، که می‌توانند الگوی بستر سازی برای پاکی زنان باشند، سزاوار است، عدم ستم و خشونت و اجرای عدالت و انصاف در حق زنان چنان باشد که شایسته آن هستند.

## ۹. چالش عدالت ترمیمی

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از انتقادات فمینیست‌ها نسبت به مساله عدالت ترمیمی در حوزه خشونت جنسیتی جدی و قابل تأمل است زیرا، در دیدگاه فمینیستی، عدم توجه کافی به امنیت زنان، عدم توازن قدرت، اصرار بر بخشش، اجبار زنان برای شرکت در رویه‌های ترمیمی و یا تحت تأثیر قرار دادن فرایند توسط بزه کار، سهل‌گیری بر مجرمان و عدم پاسخگویی کافی آنان و در نتیجه عدم بازدارندگی عام و خاص، تقویت هنجارهای فرهنگی مردسالارانه و غیره، از جمله مهمترین چالش‌های پیش‌روی عدالت ترمیمی و قابل نقد است. گرچه، عدالت ترمیمی برای نگاهداشت حقوق و آزادی افراد و میانجیگری برای رفع اختلاف بر پایه داوری منصفانه آمده است. ولی، آن جا که پای سخن از حمایت بزه‌کار و بزه دیده، رنجش خاطری در جامعه ایجاد می‌کند، زنان حقوقدان و وکیل‌های متخصص به حمایت زنان آسیب دیده می‌پردازند، حال ممکن است آسیب از

ازدواجی ناموفق نیز روحیه ای را بیازارد و یا حقی نابرابر شده باشد. در بسیاری از درگیری ها و منازعات خانوادگی زنان به یکدیگر کمک می کنند تا خدشه ای بر آبرو و حیثیت کسی وارد نشود، اینجاست که عدالت ترمیمی ابزار کارساز است.

#### ۱۰- نقد

منتقدان غربی عدالت ترمیمی به درستی معتقدند فرایندها و نشست های ترمیمی در اروپا، نه تنها احترام به حریم خصوصی بزه دیدگان را تقویت نکرده، بلکه بزه دیدگان را در این برنامه های به ظاهر ترمیمی، در خدمت بزهکار قرار داده تا مانع حبس و تحمل دیگر مجازات های قدرتمند سنتی شود. جالب آنکه، منتقدان اروپایی عدالت ترمیمی اروپایی تصریح می کنند که برنامه های ترمیمی حتی، حقوق بزهکاران را نیز، نقض می کند. [ساریخانی، ۱/۱/۱۳۹۱؛ Max wel . 2005. P 76 ] زیرا، در برنامه های ترمیمی به طور عموم به دلیل غیررسمی بودن و رعایت نکردن تشریفات آیین دادرسی کیفری، وکیل متهم در برنامه حضور ندارد و چه بسا متهم در این میان تحت تأثیر شرمسارسازی بازپذیرکننده به جرم انتسابی و حتی جرائم دیگری اقرار کند و بعد پشیمان شود. بی شک، فضای غیررسمی، عاطفی و تشویق کننده برنامه های ترمیمی زمینه اظهارات و اقرارهایی را فراهم می آورد که مقرر بعد از شرکت در برنامه ترمیمی پشیمان می شود و فرایند جاری را ترک می کند و خواهان ازسرگیری دادرسی در دادگاه و با روش کلاسیک می شود؛ امری که به شکست برنامه ترمیمی می انجامد و هزینه های عدالت کیفری را بالاتر می برد. [ساریخانی، ۱/۱/۱۳۹۱]. ولی، در فرایند جانبداری از افراد بزه دیده و بزه کار، در حوزه رسیدگی به زنان، در جامعه اسلامی چنین ناسازگاری هایی با حمایت حقوق کیفری و عدالت ترمیمی کمتر دیده شده است. «سیاست جنایی قرآن کریم، عاری از ایرادهای وارد به مدل غربی عدالت ترمیمی است؛ به ادعان بسیاری از پیش کسوت های عدالت ترمیمی اروپایی، یکی از مبانی طرح حمایت از بزه دیدگان که عدالت ترمیمی منادی آن است، مبنای ایدئولوژیک و فلسفی آن است و گفتمان غربی، این مبنا را از آیین های سازش در تعالیم الهی ملل شرقی برگرفته است.» [سرحدی راد؛ اربابی، ۱۳۹۹ / ۴۳]. این امر در نظام های حقوقی مبتنی بر مذهب صادق است، زیرا، حمایت از مظلوم و دفاع از بزه دیده موجب خشنودی پروردگار می شود. [ساریخانی، ۱/۱/ ۱۳۹۱؛ حقیقی، ۱۳۹۵، ۶/۲].

#### ۱۱. راهکار

عدالت ترمیمی به عنوان واکنشی جایگزین عدالت کیفری سنتی در بهبود وضعیت حقوق زنان است.

توجه با آرمان های الهی در کانون فکری زنان و دختران می تواند نوعی عامل بازدارنده در برابر مشکلات شود.

قرآن در اجرای اصل تناسب جرم و مجازات منعطف است پس، انعطاف ناپذیری در امر کیفررسانی در عدالت کیفری، رجوع به آیات یاریگر عدالت ترمیمی می شود.

در مدرسه ها به اثرات منفی و مخرب درگیری ها پرداخته شود تا با فرهنگ سازی و درونی کردن هنجارها زمینه دورشدن از آسیب ها فراهم شود. نقش اساسی مدرسه ها، معلمان، محتوای آموزشی، رسانه ها در درونی نمودن ارزش های فرهنگی را نباید از نظر دور داشت.

مراجع قضایی و انتظامی نیز، بایستی برای ایجاد امنیت اجتماعی و از بین بردن ریشه های درگیری ها، حضور خود را در سطح جامعه پررنگ تر نمایند. افزایش گشت زنی در محل با همکاری نیروهای انتظامی، ارگان های دولتی و غیردولتی، رسانه ها به این مهم کمک می کند. رسانه ها با تهیه فیلم های اجتماعی، به پیامد نابسامان بزه کاری ها اقدام کنند. مروجین اخلاق با سخنرانی در مراسم های مختلف می توانند در آگاهی بخشی و کاهش جرائم اثرگذار باشند.

### نتیجه گیری

میانجی گری کیفری از لحاظ نظری مثل تمام انواع میانجی گری های مدنی، تجاری، اداری و بین المللی، در سطح گسترده ای از اصل آزادی مشارکت و اختیاری بودن بهره می برد. در ماده ۱۱ توصیه نامه شورای اروپا در مورد میانجی گری در امور کیفری با این عبارت کوتاه اصل مزبور خاطر نشان شده است: نبایستی بزه دیده و بزه کار با توسل به ابزارهای ناصحیح به میانجی گری اجبار شوند. عدالت ترمیمی و میان نسلی در کشور نیاز است و برای زنان که در تاریخ همیشه به دلیل جنسیت کمتر به حقوقشان رسیده اند. در نظام های حقوقی مبتنی بر مذهب، حمایت از مظلوم و دفاع از بزه دیده موجب خشنودی پروردگار می شود. جلوه های عدالت ترمیمی در مجازات های فقهی، قواعد فقهی و تأسیس های فقه جزایی، ظرفیت قرار گرفتن در جایگاه محور منابعی را خواهد داشت، که مدل اسلامی- ایرانی عدالت ترمیمی به عنوان یک راهکار عملی از این سرچشمه ها قابل استخراج و تئوریزه شدن است؛ امری که نیازمند توسعه این تحقیق از رهگذر تألیف پژوهش های بعدی است. امید که در آینده نزدیک قانون گذاری عدالت ترمیمی را از رویه های قضایی داخلی قرار بدهند و اینکه فقط متوسل به متن قانون و شرع، فقه نباشند، به طور قطع این نوع نگرش نوین تاثیر بسزایی دارد.

### منابع

۱. دلماس مارتی، می ری. (۱۳۸۱). نظام های بزرگ سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات میزان.
۲. رایجیان، مهرداد. (۱۳۸۱). بزه دیده در فرایند کیفری، تهران: خط سوم.
۳. زهر، هوارد. (۱۳۸۸). کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
۴. عباسی، مصطفی. (۱۳۸۳). افق های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری، تهران: انتشارات دانشور.
۵. عزیزی، حشمت الله. (۱۳۸۸). بسترهای تاریخی عدالت ترمیمی در ایران، تهران: روزنامه رسمی کشور.
۶. غلامی، حسین. (۱۳۸۹). عدالت ترمیمی، در: علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ سوم، تهران: انتشارات سمت.
۷. غلامی، حسین. (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۸. فروزش، روح الله. (۱۳۸۶). جایگاه عدالت ترمیمی در فقه اسلامی و حقوق ایران، تهران: انتشارات خرسندی.

۹. قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۰). سفینه البحار، تهران: انتشارات اسوه.
۱۰. کیانی، منوچهر. (۱۳۷۴). سیه چادرها، تحقیقی در زندگی ایل قشقایی، شیراز: کیان.
۱۱. مارش، یان؛ ملویل، گینور؛ مورگان، کیت؛ نوریس، گارت و والکینگتن، زئو. (۱۳۸۹). نظریه های جرم، مترجم، حمیدرضا ملک محمدی، ناشر: نشر میزان.
۱۲. مجلسی، علامه محمدباقر. (۱۴۱۴ق). بحارالأنوار الجامعة لدرر الاخبار الاثمه الاطهار (ع)، ج ۷۲، بیروت: نشر الوفاء.
۱۳. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۸). کیفرشناسی نو و جرم شناسی نو، در: تازه های علوم جنایی (مجموعه مقاله ها)، تهران: انتشارات میزان.
۱۴. وایت، راب؛ هینز، فیونا. (۱۳۸۵). جرم و جرم شناسی، متن درسی نظریه های جرم و کجروی، مترجمان: علی سلیمی، فرید مخاطب قمی، محسن کارخانه، چاپ دوم، ناشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۵. خسروشاهی، قدرت الله. (۱۳۸۱). « تأملات فلسفی در عدالت ترمیمی»، فصلنامه بصیرت، ش ۳۴.
۱۶. قیاسی، جلال الدین. (۱۳۸۵). « اصول سهولت و مدارا در سیاست جنایی حکومت اسلامی»، فصلنامه علمی پژوهشی انجمن معارف اسلامی ایران، سال ۲، ش ۳.

۱. Ashworth, A. and A. Von Hirsh. (1998), "Desert and the three RS", in Principled Sentencing: Reading on Theory and Policy, Hart Publishing, Oxford.
۲. Braithwaite, J. (۲۰۰۲). The Rise and Risks of Restorative Justice". British Journal Criminology, Hart Publishing, Oxford. p.528
3. Braithwaite, John and Mugford, Stephen (2001), "Conditions of Successful Reintegration Ceremonies, Dealing with Juvenile Offender", The Search School of Social Sciences, the Australian National University, In: Roche, Declan, Restorative Justice, London School of Economic and Political, pp. 139-171.
۴. Maxwell, G. (۲۰۰۵). The impact of the police youth diversion in New Zealand, A research on the Institute of Criminology, Victoria University of Wellington.
5. Padfield, N. (2011). "Judicial Rehabilitation, A View from England", European Journal of Probation, Hart Publishing, Oxford.